

ایران توشه

- دانلود نمونه سوالات امتحانی
- دانلود گام به گام
- دانلود آزمون های وحدتی
- دانلود خلاصه آنلاین شی
- دانلود و مثالوره



IranTooshe.Ir



@irantoooshe



IranTooshe



پایه: یازدهم	با اسمه تعالیٰ	محتوای نوشتاری کتاب عربی زبان
رشته: ادبیات و علوم انسانی	گروه آموزشی دوره دوم	قرآن (۲)
درس: پنجم	متوسطه استان فارس	سال تحصیلی ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹
طراح: طبیبه عباسی		

موضوع: محتوای نوشتاری درس پنجم کتاب عربی پایه یازدهم رشته ادبیات و علوم انسانی

اهداف یادگیری: ۱- متن درس را درست بخواند و ترجمه کند. ۲- جمله وصفیه را بشناسد. ۳- ترجمه اسم نکره و جمله وصفیه را یاد بگیرد و درست ترجمه کند. ۴- بتواند فعل جمله وصفیه را با توجه به فعل عبارت اصلی درست ترجمه کند.

چکیده نکات مهم در قالب جمله‌های کوتاه به زبان ساده:

۱- روخانی صحیح و ترجمه درس ۲- شناخت جمله وصفیه ۳- ترجمه درست اسم نکره با جمله وصفیه

(راستگویی)

آلکِذب	آلحریَّة	آلجهل	آلکُفر	آلصَّدق	آلخُلَّة
دروغ (دروغگویی)	آزادی	نادانی	کفر	راستی	دوستی

توضه‌ای برای موفقیت

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و با راستگویان باشید.
حکایت می‌شود که مردی با گناهان و عیوب‌های فراوان بود، از کارهای بدش پشیمان شد و تلاش کرد که آنها را اصلاح کند، ولی نتوانست. پس نزد مردی شایسته و درستکار رفت و از او پندی خواست که، او را از ارتکاب گناهان باز دارد، او را به پایبندی به راستگویی نصیحت کرد و از او بر انجام آن قولی گرفت، هرگاه آن مرد خواست، که گناهی را مرتکب شود به دلیل وفای به پیمانش از آن خودداری کرد، تا اینکه به مرد شایسته دروغ نگوید. با گذشت روزها از شر گناهانش و عیوبش به دلیل پایبندی اش به راستگویی رها شد. حکایت می‌شود که جوانی، بسیار دروغگو بود، در یکی از روزها در دریا شنا می‌کرد، تظاهر به غرق شدن کرد، و دوستانش را صدا زد: کمک، کمک ... پس دوستانش به سوی او شتافتند

تا او را نجات دهنده، و هنگامی به او رسیدند، بر آنها خندید.

این کار را سه بار تکرار کرد، در مرتبه چهارم موج بالا رفت، و نزدیک بود آن جوان غرق شود.

پس شروع به صدا زدن دوستانش کرد. اما آنها گمان کردند که او دوباره (از نو) دروغ می‌گوید.

پس به او توجه نکردند، تا اینکه یکی از مردم به سوی او شتافت، و او را نجات داد. جوان به دوستانش گفت:

نتیجه کارم را دیدم، دروغگویی ام نزدیک بود من را بکشد، از امروز هرگز دروغ نخواهم گفت.

این جوان بار دیگر به دروغ گفتن باز نگشت.

خداآوند تعالی فرمود:

ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا پروا کنید، و با راستگویان باشید.

راستگویی با خداوند به وسیله خالص کردن کارها برای او آشکار می‌شود؛

راستگویی با مردم این است که به دیگران دروغ نگوییم. پیامبر ﷺ فرمود:

خیانت بزرگی است، که به برادرت سخنی را بگویی، که او باور کننده (تایید کننده) تو است، و تو به او دروغ می‌گویی.

امام علی (ع) فرمود: کسی چیزی را پنهان نکرد، مگر اینکه در لغش‌های زبانش و همه جای چهره اش آشکار شد.

بنابر این دروغگو نمی‌تواند، دروغش را پنهان کند، یا آن را انکار کند. سخن پیامبر ﷺ چه زیباست:

به بسیاری نماز و روزه و بسیاری حج و کار نیک و بانگ نیایشان در شب نگاه نکنید

بلکه به راستگویی و امانتداری شان بینگردید.

عَيْنُ الصَّحِيحَ وَ الْخَطَا حَسْبَ نَصِ الْدَّرْسِ.

- ۱- مرد بسیار گناهکار تلاش کرد که خودش را اصلاح کند ولی در آغاز نتوانست.
- ۲- مرد درستکار از مرد بسیار گناهکار خواست که به تمام خوبی‌ها پایبند باشد.
- ۳- مرد بسیار گناهکار از گناهان به دلیل وفای به عهدهش خودداری کرد.
- ۴- نزدیک بود جوان دروغگو غرق شود هنگامی که برای بار سوم دروغ گفت.
- ۵- دروغ در لغش‌های زبان و همه جای چهره آشکار می‌شود.

گفتگو: خرید سیم کارت تلفن همراه

بفرما، آیا کارت شارژ هم می‌خواهی؟	لطفاً به من سیم کارت بده.
می‌توانی موجودی تلفنت را از طریق اینترنت شارژ کنی.	بله؛ لطفاً به من یک کارت شارژ به مبلغ بیست و پنج ریال بده.
زائر سیم کارت و کارت شارژ می‌خرد، سیم کارت را در تلفن همراهش قرار می‌دهد و می‌خواهد که تماس بگیرد ولی شارژ کار نمی‌کند. بعد نزد کارمند مخابرات می‌رود و به او می‌گوید:	
لطفاً کارت را به من بده. من را ببخش. حق با شمام است. کارت را برایت عوض می‌کنم.	ببخش، کارت شارژ اشکال دارد.

اعلموا

الجملةُ بَعْدَ النَّكْرَةِ

• انواع صفت:

صفت دو نوع است: ۱- مفرد ۲- جمله

هرگاه صفت، یک اسم باشد مفرد نام دارد و اگر صفت جمله باشد جمله وصفیه نام دارد.
جمله وصفیه: هی جمله تصف النکرة (جمله‌ای است که اسم نکره را توصیف می‌کند). وقتی بعد از اسم نکره جمله‌ای باید که آن را توصیف کند جمله وصفیه است.

جمله وصفیه فقط صفت برای اسم نکره واقع می‌شود.

ترجمه اسم نکره با جمله وصفیه:

پس از اسم نکره حرف «که» می‌آید و فعل پس از آن مطابق شرایط جمله ترجمه می‌شود:

• اگر قبل از اسم نکره فعل ماضی و پس از آن ماضی باید ماضی دوم به ماضی بعید یا ساده ترجمه می‌شود. مثال:

اشتریتُ الیومَ کتاباً قد رأیته مِنْ قبْلُ = امروز کتابی را خریدم که قبلاً آن را دیده بودم / دیدم

• اگر قبل از اسم نکره فعل ماضی و پس از آن مضارع باید مضارع به ماضی استمراری ترجمه می‌شود. مثال:

رَأَيْتَ وَلَدًا يَمْشِي بِسْرُعَةٍ = پسری را دیدم که با سرعت راه می‌رفت.

• اگر قبل از اسم نکره فعل مضارع و پس از آن هم مضارع بباید مضارع دوم به مضارع التزامی یا اخباری ترجمه می شود. مثال: **أَفْتَشُ عَنْ مُعَجَّمٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ** = دنبال فرهنگ لغتی می گردم که مرا در فهم متون کمک کند / می کند

• گاهی میان اسم نکره و جمله وصفیه کلمه های دیگری فاصله می اندازند. مثال: **قَرَأَتُ كِتَابًا فِي المَكْتبَةِ يُفِيدُنِي جَدًّا.**

• جمله وصفیه می تواند هم فعلیه و هم اسمیه باشد.

• دقت کنید هر جمله ای که پس از اسم نکره آمد لزوماً وصفیه نیست بلکه باید ارتباط معنایی هم داشته باشند. مثال: **رَأَيْتُ الطَّالِبَ فِي شَارِعٍ يُشْتَرِي مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ.** یشتري صفت برای شارع نیست زیرا میان آنها ارتباطی وجود ندارد.

• جواب شرط را با جمله وصفیه اشتباه نگیرید. مثال:

من يرحم مظلوماً، يرحمه الله. يرحمه الله پس از اسم نکره آمده ولی وصفیه نیست بلکه جواب شرط است.

خودآزمایی: این عبارت را بر اساس قواعد درس ترجمه کن، سپس نوع فعلها

را مشخص کن.

لا يُسمَعُ	لا تُرْفَعُ	لا يَنْقَعُ	لا يَخْشَعُ	لا تَشْبَعُ	أَعُوذُ
مضارع نفي، مجهول	مضارع نفي، مجهول	مضارع نفي	مضارع نفي	مضارع نفي	مضارع

خداوندا، به راستی من به تو پناه می برم از نفسی که سیر نمی شود (نشود)، از قلبی که فروتنی نمی کند (نکند)، از دانشی که سود نمی رسانند (نرسانند)، از نمازی که بالا برده نمی شود (نشود) و از دعایی که شنیده نمی شود (نشود).

ب: فعلهای متعدد را مشخص کن:

یهُدی: **الْفِعْلُ الْمُتَعَدِّدُ** (هدایت می کند)

کَفَرُوا: **الْفِعْلُ الْلَّازِمُ** (کفر ورزیدند)

تمرینها:

تمرین اول: کدام کلمه از کلمات معجم درس با توضیحات زیر تناسب دارد؟

- ۱- **کادِ یَغْرِقُ** (شنا نمی‌دانست و فریاد زد: کمک، کمک = نزدیک بود غرق شود)
- ۲- **أَضْمَرَ** (چیزی را پنهان کرد و آن را دور از دیده‌ها قرار داد)
- ۳- **آنَكَرَ** (آن را دروغ پنداشت و قبولش نکرد = انکار کرد)
- ۴- **كَرَرَ** (یک کار را چند بار انجام داد = تکرار کرد)
- ۵- **كَبُرَ** (بزرگ شد)

تمرین دوم: احادیث را ترجمه کن. سپس آنچه خواسته شده است را ترجمه

کن.

- ۱- دانش نور و روشنایی است که خداوند آن را در دلهای دوستانش می‌اندازد. ————— المُبْتَدأ: العلمُ ————— الفاعل: اللهُ
- ۲- فِعل النَّهْيٍ: لا تَفَتَّرُوا فِعل الْأَمْرٍ: اخْتَبِرُوا با نماز و روزه شان فریب نخورید ... اما آنها را هنگام راستگویی و امانتداری بسنجدید.
- ۳- اسم المبالغة: **الْكَذَابَ** ————— دروغگو را به مشورت نگیر زیرا او همانند سراب دور را برایت نزدیک و نزدیک را برایت دور می‌کند.
- ۴- الفاعل: **الصَّادِقُ - الْكَاذِبُ** ————— راستگو با راستگویی اش به چیزی می‌رسد که دروغگو با فریب کاریش به آن نمی‌رسد.

تُوْشَهُ أَيْ بِرَاءِ مُوقْعَتِ

تمرین سوم: کلمه ناآشنا را در هر مجموعه با بیان دلیل مشخص کن.

- ۱- **الْفُنُون:** کلمات این مجموعه بر «اعضای صورت» دلالت دارد ولی «الْفُنُون» به معنای «هنرها» است.
- ۲- **غاز:** کلمات این مجموعه بر «اجزای درخت» دلالت دارد ولی «غاز» به معنای «گاز» است.
- ۳- **المَرَح:** کلمات این مجموعه بر «حیوانات» دلالت دارد ولی «المَرَح» به معنای «شادمانی» است.
- ۴- **الْطَّنَان:** کلمات این مجموعه بر «جهات چند گانه» دلالت دارد ولی «الْطَّنَان» به معنای «طنین انداز» است.

۵- **الصلة**: کلمات این مجموعه بر «تلفن همراه و متعلقات آن» دلالت دارد ولی «الصلة» به معنای «نماز» است.

۶- **الإضاعة**: کلمات این مجموعه به معنای «دوستان» است ولی «الإضاعة» به معنای «از دست دادن» می باشد.

تمرین چهارم: جمله‌های زیر را ترجمه کن، سپس آنچه از تو خواسته شده است را ترجمه کن.

۱- به روستایی که تصویرش را در دوران کودکی ام دیده بودم (دیدم) مسافت کردم.

المَجْرُور بِحَرْفِ جَرٌّ: قَرَيْهٌ المَفْعُول: صُورَةٌ

۲- بادهای شدیدی وزید که خانه‌ای را کنار ساحل دریا خراب کرد. - المفعول: بَيْتًا - المضاف إِلَيْهِ: شاطِئِ الْبَحْرِ

۳- برنامه‌ای یافتم که مرا در یادگیری عربی کمک می کرد. - المفعول: بَرَنَامَجًا - لُمْضافٌ إِلَيْهِ: الْعَرَبِيَّةِ

۴- کتاب دوستی است که تو را از مصیبت نادانی نجات می دهد. - المُبْتَدأ: الْكِتَابُ - الْخَبَرُ: صَدِيقٌ

۵- عیدی من را به شگفتی می آورد که در آن نیازمندان خوشحال می شوند (خوشحال شوند).

الْجَمْعُ الْمُكَسَّرُ: الْفُقَرَاءُ نون الْوِقَايَةِ: يُعْجِبُنِي

ب- فعل متعدد را از این افعال که در جمله‌های پیشین آمده است مشخص کن.

شاهدتُ: الفعل المتعدد (دیدم) - خربتُ: الفعل المتعدد (خراب کرد) - سافرتُ: سفر کردم (لازم) - عصافتُ: وزید (لازم)

آزمون تشریحی درس ۵ ادبیات و علوم انسانی

نام و نام خانوادگی:	نام نام پدر:
باسمه تعالی	اداره آموزش و پرورش
کلاس درس	دبیرستان	نام دبیر: شهرام رضایی ماده درسی: عربی ۲ انسانی
تاریخ امتحان مدت امتحان : ... دقیقه		

بارم	الف-مهارت واژه شناسی	
۱	ترجم الكلمات التي تحتها خط: الف- ما أضمر أحد شيئاً إلا ظهر في فلتات لسانه و صفات وجهه. ب- أخفى شيئاً و جعله بعيداً عن الأنوار.	۱
۱	عَيْنُ الْكَلِمَةِ الْمُرَادَفَ وَالْمُضَادَّ فِي الْعِبَاراتِ: هُوَ لَكَ مُصْدِقٌ وَأَنْتَ لَهُ كاذبٌ. نادى اصحابه لنجدته فأسرعوا اليه للمساعدة # =	۲
۱	أكتب مفرد الكلمات أو جمعها: الف- الافضل: ب- النموذج:	۳
۱	عَيْنُ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ فِي الْمَعْنَى: الف-العلوم □ المهن □ الفنون □ الحمير □ المهارات □ ب-النصول □ العيوب □ المعاشر □ السiectات -	۴
۵	تشوه- (مهارت ترجمه به فارسيتیت) ترجم الأحاديث، والأيات، والعبارات بالفارسية : ۱- إرضاء الناس غاية لا تدرك (۰/۵). ۲- فأسرع أصحابه إليه لينقذوه (۰/۵). ۳- اللهم إني أعوذ بك من دعاء لا يسمع (۰/۵). ۴- لا تنتظروا إلى كثرة صلاتهم و صومهم و كثرة الحج (۰/۷۵). ۵- يبلغ الصادق بصدقه ما لا يبلغه الكاذب باحتياله (۱). ۶- يعجبني عيد يفرح فيه الفقراء (۰/۵ نمره). ۷- عفواً في بطاقه الشحن إشكال (۰/۵ نمره). ۸- كاد الشاب الكذاب يغرق عندما كذب للمرة الثانية (۰/۷۵).	۵
۱/۵	إنتخب الترجمة الصحيحة: ■ نشاهد سنجاباً يقفز من شجرة إلى شجرة..	

الف- سنجابی را دیدیم که از درختی به درختی می پرید .

ب- سنجابی را می بینیم که از درختی به درختی می پرید

■ نَبَحْثُ عَنْ مُدْرِسٍ يُسَاعِدُنَا فِي تَعْلِيمِ الدُّرُوسِ:

الف- از مدرسی جستجو می کنیم که در یاد دادن درسها به ما کمک کند.

ب- از مدرسی جستجو کردیم که در آموختن درسها به ما کمک می کرد..

■ لَنْ يَلْتَفِتُوا إِلَيْهِ حَتَّى يُسَرَّعَ إِلَيْهِ أَحَدُ النَّاسِ

الف- هرگز به توجه نخواهند کرد تا مردم به سویش بشتایند.

ب- به سویش توجهی نکردن تا این که مردم به سویش شتافتند

١/٥

كَمْلُ الْقَرَاغَاتِ فِي الْتَّرْجِمَةِ الْفَارَسِيَّةِ:

١- سَامِحِينِي؛ أَنْتِ عَلَى الْحَقِّ. أَبْدَلْ لَكِ الْبِطَاقَةَ.

..... تو بِرْحَقْ هَسْتِي رَا بِرَاهِي تو

٢- اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشَبَّعُ.

..... قَطْعًا مِنْ بِهِ تو از نَفْسِي كَه

v

ج- مهارت شناخت کاربرد قواعد

٢

تَرْجِمَ الْأَفْعَالِ مَطَابِقًا لِقوَاعِدِ تَرْجِمَةِ الْأَفْعَالِ

الف- أَشْتَرَتَ الْيَوْمَ كِتَابًا قَدْ رَأَيْتَهُ مِنْ قَبْلُ؟ /

ب- مَا كَانَ يَعْرِفُ السَّبَاحَةَ وَلَكِنَّ طَلَبَ إِنْ يُسَاعِدَ أَخِيهِ /

ج- كَادَ يَقْتُلُنِي فَلَنْ أَكْذِبَ بَعْدَ الْيَوْمِ /

د- قَدْ سَافَرْنَا إِلَى قَرِيَّةِ شَاهِدٍ صُورَتَهَا أَيَّامَ صِغْرَى /

٨

تُوشِّهَاتِي بِرَاهِي مُوقِبَتِ

٧/٥

عَيْنِ الْفِعْلِ الْمُنَاسِبِ لِلْفِرَاغِ:

الف- الْفَرِيقَانِ مَرَّةً ثَانِيَةً قَبْلَ سَنَةٍ

ب- رِسَالَةً مِنْ أَخِي بَعْدَ سَنَتَيْنِ

ج- الْجُنُودُ عَنِ الْوَطَنِ.

٩

١

عَيْنِ الْمَحَلِ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُعَيَّنَةِ:

١) عَصَفَتْ رِيَاحٌ شَدِيدَةٌ خَرَبَتْ بَيْتًا جَنْبَ الشَّاطِئِ الْبَحْرِ

١٠

مهارت درک وفهم

٢

الف- إِنْتَخَبَ الْكَلِمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسْبَ التَّوْضِيحةِ؟ (كلمات زائدتان)

الغرق- السوار- الشاب - التخلص - كرار-التزم

١١

- ١- سُقُوطُ الْاَنْسَانِ فِي نَهْرٍ اَو بَحْرٍ.....
- ٢- نِجَاهُ الْاَنْسَانِ مِنْ عِيوبِهِ وَ سَيِّئَتِهِ ..
- ٣- الْاَنْسَانُ فِي بَدْيَاهَةِ عُمْرِهِ.....
- ٤- عَمَلَ عَمَلاً عَدَّةَ مَرَّاتٍ:.....

١٥

ب- عَيْنُ الصَّحِيحَ وَ الْخَطَا حَسْبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ.

- الف- عندما يكذب شخص عدّة مرات لا يعتمد الآخرين عليه.
- ب- الموعظة يؤثّر على الإنسان الخاطيء دائمًا.

ج- إِقْرَأُ النَّصَّ التَّالِي وَ أَجِبْ عَنِ الْاسْتِلْهَ؟

١

يُحَكَىُ أَنَّ رَجُلًا كَانَ كَثِيرُ الْمَعَاصِي وَ الْعِيُوبِ فَنَدَمَ عَلَى أَعْمَالِهِ السَّيِّئَةِ وَ حَاوَلَ أَنْ يُصْلِحَهَا فَمَا استطاعَ فَذَهَبَ إِلَى رَجُلٍ فَاضِلٍ صَالِحٍ وَ طَلَبَ مِنْهُ مَوْعِظَةً تَمْتَعَنَّهُ عَنِ ارتكابِ الْمَعَاصِي فَنَصَحَهُ بِالِتَّزَامِ الصَّدِيقِ وَ أَخَذَ مِنْهُ عَهْدًا عَلَى ذَلِكَ فَكُلُّمَا أَرَادَ الرَّجُلُ أَنْ يَرْتَكِبَ ذَنْبًا امْتَنَعَ عَنْهُ لِوَافِيهِ بِالْعَهْدِ حَتَّى لَا يَكْذِبَ عَلَى الرَّجُلِ الْفَاضِلِ وَ يَمْرُورُ الْأَيَّامُ تَخَلَّصَ مِنْ شَرِّ ذُنُوبِهِ وَ عِيوبِهِ لِلتِّزَامِهِ بِالصَّدِيقِ.

١٥

- ١- لماذا ذهبَ رجلُ الكثِيرِ الْمَعَاصِي إِلَى الرَّجُلِ الْفَاضِلِ؟
الرَّجُلُ؟
- ٢- يَأْيِيْ شَيْءٌ نَصَحَهُ

د- عَيْنُ الصَّحِيحَ وَ الْخَطَا عَلَى حَسْبِ النَّصِّ؟

- الف- إِلَاتِزَامُ الشَّخْصِ الْمُذَنِّبُ بِالصَّدِيقِ يَمْتَعَنُهُ عَنِ ارتكابِ الْمَعَاصِي.
- ب- الْمُذَنِّبُ اسْتَطَاعَ أَنْ يُصْلِحَ أَعْمَالَهِ السَّيِّئَةَ نَفْسَهُ .

١٢٥

ابزان توشة

تُوشة امهار مکالمہ وفقیت

١٢

أَجِبْ عَنِ الْسُّؤَالِ:

- الف- تَشْحَنُ - انْتِرِنِت - عِبَرَ - كِيفَ - جَوَال - رَصِيد -؟

٢٠

وَفَقَكُمُ اللَّهُ

کلید سوالات تشریحی درس ۵ یازده انسانی

۱- الف- فلتات : لغشه لوجهه: گونه اش

ب- أخفی : مخفی کرد / الأنظار: دیدگان - چشمها

۲- مُصدّق # کاذب نادی = المُساعَدَة

۳- الف- الافاضل: افضل ب- النِّمُوذَج: النماذج

۴- الف- الحمير ■ ب- النُّصوص ■

۵- ۱- راضی کردن مردم(۲۵٪) هدفی است که به دست نمی آید(۲۵٪)

۲- یارانش به سویش شتافتند (۲۵٪). تا اورا نجات دهند(۲۵٪).

۳- کسی چیزی را پنهان نکرد (۲۵٪). جز آن که در لعزشیاهی زبانش آشکار شد. (۲۵٪).

۴- به زیادی نمازشان (۲۵٪) و روزه و حجشان (۲۵٪) نگاه نکنید (۲۵٪).

۵- راستگو با راست گویی اش به چیزی می رسد که (۵٪) دروغگو با فریب کاری اش به آن نمی رسد.(۵٪).

۶- (خوشم می آید / مرا به شگفتی وامی دارد (۲۵٪). عیدی که در آن تهییدتان شاد می شوند (۲۵٪).

۷- لطفاً/معذرت میخواهم کارت شارژ (۲۵٪). عیبی هست(۲۵٪).

۸- جوان درو غگو (۲۵٪). چیزی نمانده بود / نزدیک بود (۲۵٪). برای بار دوم غرق شود (۲۵٪).

۶- هر جمله نیم نمره دارد

■ - سنجابی را می بینیم که از درختی به درختی می پردازد.

■ - از مدرسی جستجو می کنیم که در یاد دادن درسها به ما کمک کند.

■ هرگز به توجه نخواهند کرد تا مردم به سویش بشتاپند.

۷- ۱- مرا ببخشش / شارژ/اعوض می کنم // ۲- خدایا / پناه می برم / سیر نمی شود

۸- الف- خریدی / دیده ای ب- نمی شناخت / کمک بکند

- ج- نزدیک بود مرا بکشد/ دروغ نخواهم گفت
- ٩- الف- يَتَعَادَلُانِ ب- إِسْتَلَمْتُ- ج- يُدَافِعُونَ
- ١٠- (١) رِيَاحٌ (فاعل) شَدِيدَةً (صفت) بَيْتًا (مفعول)
- ١١- الف- الغرق- - السّوار- الشّاب - التخلص -كَرَرَ-التَّزَمَ
- ١- الغرق ٢- التخلص ٣- الشّاب ٤- كَرَرَ-
- ب - الف- صحيح ب- خطأ
- ج- ١- لاصلاح اعماله السّيئه
- د- الف- صحيح ب- خطأ
- ١٢- عبر الإنترنت

سوالات تستی درس پنجم

(تهییه کننده: شهرام رضایی)

١- عَيْنَ الْتَّرْجِمَةِ الصَّحِيحَ لِمَا تَحْتَهُ خَطَا:

حينما كنت قد تصادمنا السيارة ، والدى يسوقها.

١) رانندگی می کند. ٢) می راند هدایت کرد ٣) هدایت کرد ٤) رانندگی کرده بود

٢- عَيْنَ الصَّحِيحِ : يَبْلُغُ الصَّادِقُ بِصَدْقَهِ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُ بِإِحْتِيَالِهِ: راستگو...

١) با صداقت خویش آنچه را بدست می آورد که دروغگو با فریب کاری بدست نمیآورد.

٢) با راستگویی اش به چیزی می رسد که دروغگو با فریب کاریش به آن نمی رسد.

٣) به وسیله راستی خویش خود را به چیزی می رساند که دروغگو با نیرنگش بدان نمی رسد.

٤) به صداقت خویش به چیزی می رسد و دروغگو با فریب کاری بدان نمی رسد.

٣- لَنْ تَنَالُوا الْبَرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ :

١) به خوبی نمی رسید تا این که انفاق بکنید چیزی را که دوست داشته اید.

٢) به نیکی دست نخواهید یافت تا آنچه دوست می داشتید ، انفاق کنید.

٣) به خوبی ها دست نخواهید یافت جز این که هر آنچه دوست می دارید انفاق کنید.

٤) نیکی را بدست نخواهید آورد تا این که انفاق بکنید از آنچه دوست دارید.

٤- ای مضارع يختلف عن الباقي في المعنى:

١) البلاد الإسلامية تختلف في لغاتها وألوانها

٢) يتجلّى اتحاد الأمة الإسلامية في صورٍ كثيرةٍ

٣) للغراب صوتٌ يُحدّر بقيةَ الحيواناتِ حتى تبتعدَ

٤) هذه الأصواتَ تنبئُ من البكتيريا التي تعيشُ تحتَها

٥- عين ما يختلف عن البقيةِ من حيث المعنى:

١) لن ٢) لـ ٣) كـ ٤) حتى

٦- عين الخطأ في الترادف والتضاد:

١) استطاع = قدر / إحسان # إساءة

٢) من فضلك = رجاءً/ جاهز # حاضر

٣) نفاية = زبالة / سلم # حرب

٤) بنى = صنع / ظلام # ضياء

تشوشة ای برای موفقیت

٧- عين الجملة التي فيها الاسماء المترادفة والمضادة معاً:

١) قليلٌ من «الתלמיד سوفَ يُواجهونَ مشاكلَ و صعوباتٍ كثيرةً».

٢) بعضُ الخلقِ تجمعُ لى خير الدنيا والآخرة.

٣) عسى ان تكرهوا شيئاً و هو خير لكم و عسى ان يحبوا شيئاً و هو شر لكم.

٤) كُن صادقاً مع نفسكَ ومع الاخرين في حياتك.

٨- عين الفعل معناه مضارعاً:

١) شاهدتُ معلماً يُدرّس اللغات المختلفة في الصفي

۲) فَهِمْتُ أَنَّ صَدِيقَ سَيِّدِهِبُّ مِنْ هَنَا

۳) لَنْ نَقِدِرَ عَلَى التَّقْدِيمِ فِي الْعِلُومِ الْمُخْتَلِفَةِ

۴) قَرَرَ الطَّلَابُ حَتَّى يَغْيِبُوا عَنِ الْآخَرِينَ.

۹- ما هو الصحيح في المفهوم «لاتَّحدَثْ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ»

۲) لَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ وَلَوْ كَانَ صِدَقاً

۱) لَا تَكْذِبِ النَّاسَ إِنَّهُمْ سَيَعْلَمُونَ

۴) لَا تَقُلْ عَيْبَ النَّاسِ حَتَّى لَا يَحْزُنُوا

۳) لَا تَصْدِقِ دَائِمًاً بَلْ إِكْذِبِ بَعْضَ الْأَحْيَانِ

۱۰- عَيْنِ الصَّحِيحَ مَا تَحْتَهُ خَطٌّ :

۱) أَرْسَلَ اللَّهُ الْأَنْبِيَاءَ لِيَهْدِوْهُمْ : تا هدايت شوند.

۲) أَسْأَلُكُمْ أَنْ تُحَاوِلُوا فِي أَدَاءِ وَظَاهِفِكُمْ : تا تلاش کنید

۳) آياتُ اللَّهِ فِي الطَّبِيعَةِ كَثِيرَةٌ لِتَنَبَّهُ إِلَيْهَا : برای این که بفهمد -

۴) أَسَافِرُ كَيْ أَفَتَّشُ عَنْ مَوْضِعِ مُهِمٍّ : تا برگرد

ایران توشه

پاسخنامه آزمون تستی توشه‌ای برای موفقیت

سوال	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
جواب	۲	۲	۴	۳	۲	۱	۳	۴	۲	۲